

در روز دهم بهر از جان امالی آنجا از نوکر و رعیت کلاً استقبال شایسته نموده لازمه اعزاز و اکرام
 اهل آوردند و عالیجاه باقر خان مکتسانی تا کازران و عالیجاه میرزا اسد ضابط بر از جان تاشت
 و عالیجاه حسن خان سپهر عالیجاه باقر خان مکتسانی تا داکلی و سایر صیباط دشتستانی و مضایق
 تا بر از جان استقبال نمودند و عالیجاه رستم خان یوزباشی پشاور میرزا عالیجاه نوساره نظام
 از بهیمان آمده در عرض راه محلی گردید و یکصد نفر سرباز شیرازی نیز از شیراز بهر ای مقرب الخاقان
 مشارالیه ناموز بودند با کعبه و اقامت تمام در یوم چهارشنبه سحر شهر ربیع الاول وارد
 اوشهر گردیدند و روز دهم تمامی صاحب منصبان این اهل نظام از توپچی و سرباز با توپخانه و
 مجلس و شیپور بقانون نظام تاریخ فرسخ پیشواز نموده توب سلام انداختند و همچنین آقا محمد علی
 ملک التجار پوشه با تمامی تجار تارکیشهر که دو فرسخی بندر اوشهر است استقبال نمودند و امالی
 بعد از اعیان و کسبه و غیره بهر ای عالیجاه میرزا حسن این تذکره تا خارج شهر استقبال مبادرت
 نموده چهار ساعت و نیم بجزوب اقامت بماند با کمال توقیر و احترام وارد بندر اوشهر گردید
 و در وقت ورود پرده بیرق شیر و خورشید دولت علیه ایران را برافراشته و بجهت تسلیم
 برافراشتن بیرق شیر و خورشید بیت و یک تیر توب از توپخانه مبارک شلیک شده و از
 جہازات دولت انگلیس نیز با بر مصافحات و موالات دولتمین بیت و یک تیر توب شلیک گردید
 و در ثانی در جواب آنها از توپخانه مبارک که باز بیت و یک تیر توب شلیک کردند و از اهل نظام
 توپچی و سرباز که حضور داشتند صرف شربت و شیرینی نمودند و سایر حضار مجلس نیز صرف شربت
 و شیرینی و ادای تهنیت و مبارکباد نموده صدای عاکوئی و آت اقدس طلوع شاهنشاهی خدا بقه
 ملک و سلطان بلند کردند (دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مشارالیه بعد از ورود به بندر اوشهر
 در روز سیوم سان توپچی و سرباز سا فلو بندر اوشهر را بدقت دیده و رسیدگی نموده و احوال
 و طواریسان آنها را اصنبط کرده که در بار محفلت دارهایون انقاد و اردو) (دیگر نوشته اند
 که در روز پنجم ورود و مقرب الخاقان مشارالیه که مرده جشن میمون و عیش هایون و سعیدگی
 این دولت جاوید مدت علیه با آنجا رسید حسب حکم مقرب الخاقان مشارالیه صد
 یک تیر توب شلیک کرده و پرده بیرق شیر و خورشید را برافراشته فوج با خلاص فرقا
 با لباس سی حاضر گشته طبل و بالابان شادمانه زدند و چهار سبانه روز بازار را و خانهها
 این بندی و چراغان نموده بواز عیش و سرور پرداخته و در بهر ای صنغی از نوکر عیان شایسته مقرب الخاقان مشارالیه

۲۴۲۹

شدند و نیز از جانب بلور دولت بهتکلیف مبایعت رسم موالات و کتبی و ولایتین لوازم شادمانی
 و اجرایی شکیک لوط شاه و یانه از جهازات بعل آمده و نایب خود را با دای تهتیت و مبارکبادی از
 جانب خود و سایر صاحب منصبان بکنیس بزرگ مقرب انخافان مشارالیه فرستاده اظهار سرود
 و انعطاط خاطر نمودند و بفرقهای جهازات را به پردنای الوان زیست و اربش دادند و از توپخانه
 مبارک که نیز بخواه شکیک شاه و یانه انجانبیت و یک تیر توپ شکیک شد و از جانب مقرب انخافان
 مشارالیه نسبت فرستاده نیز بکمال محبت بعل آمده از طرفین رسم موالات مخطوط شده و صحنهای
 دوستانه داشتند (دیگر نوشته اند که چون مدتی بود باران که مطلوب امانی و زراعت کاران
 تو لایت بود نمی آمد و زراعت دمی که اغلب و عمده زراعات آنجا است بجهت عدم بارندگی تاخیر افتاد
 مردم تشویش حساسی و کرائی داشتند لهذا در روز جمعه اربع بیج امانی بعد از ادای نماز علمای اعلام
 از قبیل جناب سید محمد طاهر و شیخ عبدالعلی حلف مرحوم شیخ خلف و شیخ علی دستانی و در منابر
 مرعط نموده و چهار چوی انداخته عباد الله را بدعای باران اخبار کردند و سه روز عموم مسلمین رو در رو
 در روز سیم با تفاق علمای سابق الذکر جمیع کسیری از علما و سادات ذوی الاحترام و سایر خلق از
 خاص و عام بخارج شهر مجتمع گشته بشرایط دعای باران اقدام نمودند و جناب شیخ عبدالعلی من
 دعای باران خوانده و خلائق صدای آهین بلند کردند و از تفضلات باری تعالی نزدیک بسخن
 سخاوت رحمت ظاهر گردیده بارندگی کامل نمود بطوری که صحاری و اتلال کلا سیراب گردیده بعد از
 نیز بارندگیهای منوالی بکرات شده زراعت کاران در نهایت خوشوقتی و امیدواری و تشکر
 مشغول زراعت و بذرافشانی شدند و در امر زراعت خصوصاً دیم کاری نقضی باقی مانده بوسن
 مردم رفع گردید (دیگر نوشته اند که مقرب انخافان حاکم بوسهر و دشتستان و مضافات و دریا
 عالیجاه شیخ نصر خان را ببطم امور مضافات مأمور نموده و چهار بقعه تویچی و بیت نقر علم سمره
 مشارالیه روانه کرد که در نظم آن صفحات و انجام خدمات دیوانی و سرپرستی رعایا بمرقت نام
 بعل میاورد و با برجا ناما مودین و مباشرین انجلا دستور العمل داده و محتج نموده روانه کرده است
 و امور طرق و سواران را نیز منظم و مضبوط نموده در هر منزل مستحفظ و تعقیب که است که عابرین
 و مشردین صحیحاً و سالملاً بمنزل برسانند بجهت از قراریکه در روزنامه شیراز روزنامه بند را بوسهر
 نوشته اند مقرب انخافان مشارالیه امور آن صفحات را از هر جهت و جهت نظم کامل داده است
 اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته میشود

۲۲۳۰

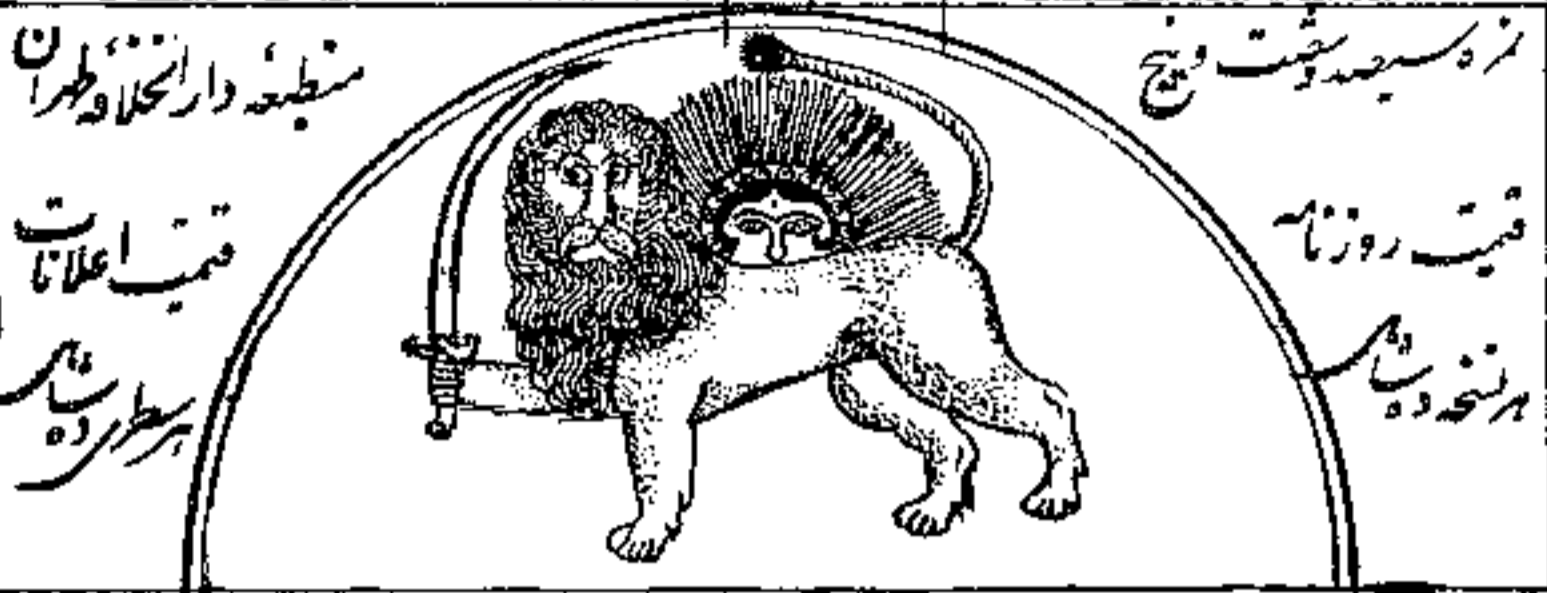
از قراریکه نوشته اند مجلس پانزدهم انگلیس در لندن بتاریخ هفدهم ماه ربیع الثانی گشوده شد و
پادشاه انگلیس خود بمجلس مزبور تشریف فرما گردیده در باب پول و نامی که ما بین تجار و صرافان
و کسان آن بان ظهور میکند فرمایش کرده است که صندوقخانه بزرگ تجار تی دولتی لندن با
امیت کل ایالتی انگلیس است و باستکمال ما یزیم آن و گذشته از آن بدفع اضطرار هر
اهل امید دولت که گرفتار عسرت بشود ایتنا م خواهد شد و بعد از مصاحبه عمومی در هر محل روز بروز
سراحت کامله مستلزم شکر است غوا این بنده و نیرا کثیر کس سهولت کرده و
سابقه اولایت تبدیل بملامت و امتیث شده جای شکر است و ما بین لیسین انگلیس و ایران
بازده که ظهور کرده بود بجهت دفع آن از طرفین موافقت روی داده معا بدینکه ما بین لیسین
احکام آن بنامه محرجی گردیده فقط سئله هرات که در معا بدین نامه شرح بود کاملاً اجری نشد
بود در این اوقات از جانب دولت ایران برای تحیل آن سسله باخراج عساکر ایران از هرات
حکم شده است که مقتضی خستودیت و سواى این فقرات نیز بعضی فرمایشات دیگر در آن مجلس
بودند (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که قشون انگلیس که شهر دلی را محاصره کرده
بودند بعد از استیلا پادشاه یاغیان را با سه نفر سپه او گرفته خود او را برای محاکمه بکلکه فرستاد
و سپه های او را بقل رساند در این اوقات از قرار روزنامه لندن که تفصیل این مقدمه را نوشته اند
بعد از آنکه عساکر انگلیس داخل شهر دلی شدند بجهت گرفتن اصحاب قشون و دستگیر کردن
از اینها یک یوزباشی با صد نفر که اطراف شهر را گردش میکردند بجمعی از یاغیان برخورد
انها را تعاقب نمودند یاغیان تیرتیر شده فقط بعد از چهار صد نفر از آنها اطراف یک عرابه
و بسته و رانجا مجتمع بودند یوزباشی مزبور خرم کرده بود که پادشاه یاغیان در میان آن عرابه
که این جمعی اطراف او را دارند با جمیعت خود حمله بر سر آنها برده و آنها را متفرق کرده عرابه را
ببست آورد و پادشاه یاغیان دلی در میان آن بود او را بشهر دلی فرستاد و معلوم کردید که این
پادشاه بجهت بسیار بیروتن بودنش خود در انقشاش یاغیان چندان خلقتی نداشته است تا عفت
ظنی این انقشاش سپه های او و یک نفر داما و او بوده است و از مشارالیه تحقیق جا و مکان آنها را
فرستادند سه سپه و یک داما و او را گرفته آوردند بعد از محاکمه دو نفر آنها را هدف شلیک سپه
کرده و دو نفر دیگر را هم بقل رساند

۲۴۳۱

تقراریکه از روزنامه بمبئی نوشته اند در ضبطه اسپیشالی قشون پنجاه شهر دلی را از خاک کوهستان
که همراه قشون پنجاه بودند اموال شبانی که از یاعیان غارت کرده بودند از جانب سردار قشون
پنجاه حکم شده بود که همه غنایم را در یکجا جمع کرده بعد از آن باین قشون موافق رتبت هر کس توزیع
تقسیم نمایند عساکر مرقومیه چنانچه این حکم را مسموع ندانستند هر کس هر چه پیش افتاده بود مخفی نمود
بقیمت بسیار نازل فروخت بطوریکه از سال و نفایس خیری که هزار لیراهمت داشت به با چای
فروختند و گذشته از آن یاعیان وقتی که شهر را ترک و تخته کرده فرار نمودند مسکراتی که در
شهر بود همه را زهر آلود کرده بودند عساکر مرقومه که بشهر داخل شدند هر کس از آن مسکرات
که در جهان بزرده باین جهت خیلی بعرضه بلاکت افتادند (دیگر نوشته بودند که از رضا بطان دولت
فرانس که بعضی مجال نفی و اخراج شده بودند در این اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس ازین
معاودت آنها را بفرانس و اسپانیول داده اند) (تقراریکه چند روزنامهها نوشته شده
دولت انگلیس با حکومت سیام که در هندوستان واقع است بجهت عقد رسته تجارت سفیر سیام
مخمسو فرستاده و از جانب حکومت سیام نیز سفیر تقراریکه در روزنامه گذشته نوشته شد
بلندن ارسال گردیده و بعضی هدیها آورده بودند در این اوقات دولت فرانس نیز اراده نمود
که با حکومت انعام که در جهت شرقی سیام و سمت جنوبی چین واقع است معااهده تجاری قرار بگذارد
و نامور مخمسو در یکگشتی با بعضی هدیها قرار داده است که حکومت انعام ارسال نماید) (چنانچه
بگزارت در روزنامهها مسطور شد است بجهت حصول استراحت کامله فرنگستان اغلب دول فرنگستان
عساکر زیاد از لزوم را القلیل میکنند و حد و نفقات هر دسته و فوج را کنترل نمایند چنانچه دولت
استرالیه نیز این فرار را مجرب دانست و در این اوقات ایالت لوئیزیانا نیز که در این ایالت واقع
اند و دست قشون که نامور محافظت آنجا بودند چهار هزار و پانصد نفر آنها را استبدالا از سلاطین
عساکر اخراج کرده و از گرفتن عوض آنها صرف نظر نمود است) (مقتدا چند در میان شد بود که قرآن نابولی
نظر بعضی حرکات که بیجهت دولت خود کرده بود بجهت فروراز او دیکره ناراضی بود و از میان آنها بعضی قصد اسیرت آن
نمودند بعضی در میان مملکت بفرقت و فساد بودند و ازین جهت که خواستند منوط خود را اجرا نمایند قرآن نابولی مستحضر شد
مقدار کافی قشون باینجا فرستاده بجهت آنها متفرق کرده بود در این اوقات مجدداً بصد نفر از آن اشخاص
در درون شهر نگاه رضع لوای عصیان بودند حکومت ازین گذارش مطلع شده فی الحال قشون گرفتن آنها
نامور کرده و همه را گرفته بپس میزنند

۲۴۳۲

روزنامه قایم افغانی پنج شنبه دوازدهم شهر الثانی مطابق سال میلادی ۱۲۷۴



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلی است
بر طرز دیده

نزهت سید شریف
قیمت روزنامه
هر نسخه

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از فراری که مقرب الخاقان میرزا محمد حسین عضد الملک متولی باشی سرکار فیض انار امام ثامن علی امین رضی
علیه و علی آینه و ابناؤه الاف التحیه و الثناء نوشته بود مرحوم حاجی میرزا موسی خان متولی باشی سابق
سرکار فیض انار برای خدام آستانه مقدسه علاوه بر شام زوار در شامی داده بود که در کارگاه
سرکار فیض انار طبع شده خدام آستانه مبارکه در شب کشیک از خدمت بازمانده اند اما روز
اغلب بیانه صرف نماز خدمت باز میمانند با کسند بر سر دند مقرب الخاقان مشارک
برای رفاه حال آنها و شکوه آستان ملایک پاسبان و حصول دعای دولت جاوید
از پانزدهم شهر جمادی الاولی روزی پنجاه مجموعه نماز خدام آستانه مقبره که در
که هر یک مشتمل بر دوارده پارچه ظروف باشد برای امانی دفترخانه مقبره که برقرار کرده است
و این جهت خیلی بر شکوه آستانه مقدسه افزوده است و همه خدام صبح و شام در سر خدمت
خود هستند دیگر مزرعه چار طاقی مخروب که فیما بین املاک موقوفه سرکار فیض انار واقع بود
از اہم مقرب الخاقان مشارک الیه ابیاع کرده وقف و شکی بحین آباد نموده که محصول آن در
روز عاشورا و روز شهادت حضرت علیہ السلام در سب حرم صرف تقریر داری شود و در
شام و نماز بعد چهار شمع هم در بالای صریح مطهر هر شب تا صبح بسوزانند و هر چه علاوه
بر اینها باشد در روز عید غدیر رسم انعام بفقرا ی سادات خدام قیامت نمایند و چون
در مشهد مقدس در تابستانها پنج کیاب بوده و برای عامه مردم تنگی دست پیدا و چهار

پنجال هم که بوده و بواسطه شرکای ناموافق با برافتاده بوده است مغرب الخاقان مشارالیه چهارصد
 تومان داده و دو سهم از آن چهار پنجال را خرید و تعمیر کرده است که همه ساله پنج آنرا بقا خانهای
 صحیح بصد سن باورند و بجامه خلق برسد و در شام و نهار خدام و نوی الاحرام صرف شود ()
 مغرب الخاقان امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی در بارهای یون که از ناموتیت فارس
 بر حسب اجازت و اذیت علیته معادست نموده در روز نیت و هفتم شهر جمادی الاول وارد و از محله
 گردیده شرفیاب حضور هر طور اهداس با یون شاهنشاهی و مورد احترام و عنایات طوکار آمد
 چون کمال کفایت و صداقت امیر الامراء العظام معزی الیه در ناموتیت فارس در نظام امر قنون
 و سخن شفت کرمای کرمیات فارس مشهور و ملحوظ خاطر اهداس با یون شاهنشاهی و امنای
 علیته گردید لهذا در روز هفتم شهر جمادی الثانی که در سلام عام شرفیاب حضور هر طور خردی
 از راه و قور رحمت لباده زمره شتر خرمه مرصع سنگین که طپوس تن مبارک بود اشاره
 جبار خان پیشخدمت فرمودند که از دوش سرکار اهداس با یون برداشته پیراه بر دوش افشان
 و مبادات معزی الیه نموده و بعد اظهار رضامندی خاطر از خدمات او فرموده و لو آب شام
 حاجی محمد ولی میرزا را مخاطب ساخته فرمودند که کشیکچی باشی درین سفر نقیسی از عهده خدمات برآید
 بسیار از اراضی شدیم کلی آنکه مسکام ناموتیت بعض حکمی تامل و رنگ روانه گردید و در
 سفریم با آن هوای گرم کرمسیر چنان از اردو را منظم داشته و سیورت و مراجع را منضم
 رسانید که همه مردم خوشوقت و آسوده بودند و پس از ورود بهم از باب تخواه خزان عامه و در
 در فارس بخود کرده بود محاسبه صحیح و درست داد که موافق قاعده و فائز استیفا و لشکر بود
 و نیز مبالغ خطیری از خود درین سفر علاوه بر مخارجی که خود داشته بصیغه العام بنو کرمای و لو
 داده انصافاً از عهده خدمات مادت و شایسته برآمد (چون عهده الامراء العظام مغرب الخاقان
 جعفر قلیخان ایلیخان پیکریکی استرلاد در تمبیه شرارت کانیته و ماتت او به جعفر بای ترکان که سابقاً
 او نکارش یافته تقدیم خدمات شایسته و نمایان کرده این اوقات از جانب سنی ایجاب به یون
 شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه یقیناً شکر مکل بالاس در حق او رحمت و القاد گردید)

۲۲۳۲

سابقاً جناب افادت و افاضت تصاب عهده العلماء و المتبحرین زیدة الفضلاء و المجتهدین شیخ عبدین
 زیدت فضایله در سفر زیارت عبات عالیات عرش درجات علی شرفیاب آلف اسلام التخت
 از جانب سنی ایجاب سرکار اعلی حضرت اهداس با یون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه و ایزد قبل جناب

جلالت تاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم فخرم دام مجده تکلف شده بودند که در زمان استعفاء
باقامت ایاکن مشرفه مذوراتی را که از قبیل تعمیرات مشاهد مقدسه بر وقت والا همست با دست
و از قبیل احداث مدرسه در محفل اشرف مسجد و مقبره در کرلای مستلی بر عهد کفالت جناب
صدارت پناهی قرار یافته بود ایشان مباشرت کرده ایفا و ادا نمایند چنان اتفاق افتاد
که بعد از آنکه جناب شیخ فخر الاعقاب شروع بتعمیر و توسیع صحن مقدس حضرت سید الشهدا
ابو عبد الله حسین صلوات الله و سلامه علیه نمود اکمال توسیع آن منوط بحصول اجازت و رضایت
از طرف قرین الشرف اعلی حضرت سلطانی گردید اولیای دولت علیه مراتب را با اولیای دولت
عثمانی اظهار و انهداشتند نظر بحال مودت و یکجتهی که مابین دو وین عظیمین سلامتین مبارکی
و مینت برقرار و باید راست فرمان لازم الاذعان از جانب آن اعلی حضرت بعهد جناب نیالت
تاب سردار اکرم ششاپا و الی ایالت بغداد شرف صدور یافت که در باب همان طرح و
که جناب شیخ در توسیع صحن مقدس و بنای مسجد و سایر تعمیرات متعلقه بان حضرت شروع
گروه بودند مساعدت و موافقت لازم را بعمل آورند که با تمام و اکمال برسد و جناب حلال
رشید پاشا صدر اعظم دولت عثمانی هم که مرهم حسن نیت و خیر خواهی ایشان نسبت به
دولت قومی شوکت اسلامی مستغنی از بیان است مرشد مودت علامه در جواب کتب
جناب اشرف امجد ارفع دام مجده تسلی داشته لوازم مرافقت را در اکمال این بنای مبارک
تقدیم رسانده بودند بحق از جانب دولت دوستی است عثمانی مابین وسط میهنه مستحبه
پاس شراط یکجتهی مرعی و ملحوظ آمد (چون امر تعمیر و مرمت توپها بعهد مرحوم بابا بیک
سرمهنگ توپخانه مبارک محول بود و او فوت گردید و رجوع این خدمت بعهد یکی از صاحب
مسئبان توپخانه مبارک لازم بود لهذا نظر بابا بیک و صداقت عالیجا همبر افرج الدیبا در
توپخانه مبارک خدمت مباشری مرمت و تعمیر توپها بعهد امفوض و از جانب سنی الحوائج
بها یون یکیطا و شال کرمانی خوب برسم خلق با و مرمت گردید) اعلان (در
دست بیکاه قبل ازین یک عدد انبر آهنی جراحی ترکیب ذیل در کوچه عزیمان کم شده
هر کس پیدا کرده باشد با طاق و قرقان این روزنامهها آورده از مباشرین روزنامه
یکتومان مر و گمانی بگیرد

۲۴۳۵



ادربایجان

از قرار یک در روزنامه خوی نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت نواب کامیاب محمد مجید
 حاکم خوی و سلسله در کمال انتظام است و در نظم ولایت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات
 و مهیات دیوانی و انتظام و امنیت سرحدات و طرق و شوارع نهایت مراقبت را بعمل می
 و طرق و شوارع سرحدات در کمال امنیت است و امور شهر خوی نیز انتظام و نظمیست
 و در حین امور قلعه یکی کبری خوی را مقرب الخاقان مؤتمن سلطان وزیر نظام و پیشکار کل
 مملکت ادربایجان حسب حکم اولیای دولت علیه بنوالت معزنی الیه نوشته بود که بعد از
 مهر علیخان و بنی و اگدا نمایند نواب معزنی الیه نیز سئل منویر حسب المقرر بعد از آنکه
 و عالیجاه مشارالیه نیز در لوایم امور محوله بحد کمال دقت و اهتمام را بعمل می آورد و لیلای
 مراقبت تمام دارد و بهر دو واژه چند نفر در وازمان علاوه بر قراول و مستحفظ است
 گذاشته در حفظ و پاسبانی لازم اهتمام را بعمل می آورند مابین واسطه صرفت و شرارت
 اتفاق می افتد (سابقاً در روزنامه خوی نوشته بودند که شاکر دجاجی ابراهیم نام تاجر از حرم
 تنخواهی که امانت سه چهار نفر تاجر دیگر بود بوقت برده بعد از معلوم شدن وجوه بزرگ
 مال تسلیم گشت مشارالیه را با یک نفر عموزاده شاکر که محرک این سرقت بوده و پدرش
 نایب الحکومه محبوس شده تا بعد از مراقبت نواب محمد حرم میرزا از سلسله مراتب بعضی نواب معزنی
 رسیده حکم بسیار رفق بودند چون طفل بود و جمعی از اعره و ابله علماء و سادات ولایت
 برخو استند که طفل است و اول جنایتی است که بتحرک دیگری از او سرزده نواب معزنی الیه نظر بقبر و تعظیم
 علماء و سادات از سیادت او گذشتند ولی حکم نمودند که اخراج بگردد و اگر بعد ازین او را در خوی
 نمایند و ارا العباد و سر و از قرار یک در روزنامه میزد نوشته اند جمعی از اشراف بختیاری
 سجاولی قلعه نمیشد بنای راهزنی و هرزگی گذاشته بودند مقرب الخاقان محمد یوسف خان
 حاکم یزد عالیجاه محمد رضا خان عقدانی را بدفع و تمبیه آنها فرستاده طایفه بختیاری از امور
 مستحصره فرار کردند و مشارالیه تا سه فرسخی شیراز آنها را تعاقب کرده هر چه اموال مردم را برده
 بودند تمام و کمال گرفته بصاحبش رد نموده قبض رسیده گرفته و از ریش سفیدان بختیاری نیز
 التزام گرفته محبت نموده و همچنین حجره حاجی سید علی جبر را در برید بمقتصد تومان نقد برده بود سابقین
 سه روز بدست آمد مال سه و قه از آنها دریافت و بصاحبش تسلیم و برین بجهت بروز دیه های قدیم محبوسند

۲۲۳۶

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب مؤید
 حکمران مملکت فارس در نهایت انتظام است و کمال فراوانی و ارزانی در خود شیراز و دیگر
 از بلوکات مملکت فارس حاصل است از او این حمای الا ولی الی خیمه ماه مزبور بر رفت و باران
 در ولایت آمده بارندگی کامل شده خصوصاً در کرمیرات اگر چه سبب کثرت بارندگی
 انبیه عیسی و قنات و غیره فی الجمله خرابی رسیده است ولی بجهت زراعت بسیار مطلوب
 نافع بوده است چنانچه برخی غله در هر جا که تعبیر داشت تنزل نموده و فوراً بهم رسانده و با فصل
 غله در همه جای ولایت فراوان دارند است و اغلب کرمیرات در نهایت طایف مواد صحرا
 سبز و خرم و زراعت کامل شده است (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین نواب مستطاب
 مؤید الله ولد عالیجاه امامعلی خان قاجار بشیک آقاسی خود را با اتفاق خیر الحاج حاجی عبدالشیر
 فرستاده مرحوم امام مسقط سابق که حامل نشان هایون مرتضی سرکار اقدس علیخیر نشان
 بود از راه ابوشهر با مور مسقط نمودند و یک قبضه ممشیرت غلاف طلائی کل مرصع منازیر از
 جهت خانبخت نصاب عمده الولا تصید ثوبی امام مسقط فرستادند در حین و ترو و شایسته
 جناب امام مسقط در محل صحرا که از علاقه حاجت عثمان است بوده و عالیجاه صید محمد این سلام که قیام
 مقام او و در مسقط متوقف بوده لوازم استقبال و مکریم مشار الیها را بعل آورده بجهت وصول
 نشان نشان هایون بیت و یک تیرنوب شکک کرده و خود امام مسقط نیز حصول اطلاق
 قشونی که برای استیصال صید ترکی برادر کوچک خود جمع کرده بود در صحرا عثمان که بسته
 بتجیل مسقط آمده بوازم جشن و توفیر و احترام نشان هر ملعان هایون پرده ختمه آورده بگرد
 خود نمود و نزاع و مخالفتی هم که مابین جناب مشار الیه صید ترکی بود از قرار رقم نواب
 مستطاب مؤید الله ولد باصلاح انجامیده ترک من زعمه نمودند (دیگر نوشته اند که نواب
 مستطاب مؤید الله ولد در عا ماه جمادی الاولی نواب کامیاب میرزاده عبدالباقی میرزاد
 مأمور لارستان و تبس سرکشان آن مان نموده و عالیجاه هبلول آقا سرمنک فوج خوی و جمعی از
 سواره نیز همراه نواب مغزی الیه مأمور شدند و معترب انخافان رضاقلینان سرمنک فوج عرب
 و غیره نیز خدمت که با کمال راستگی با فوج ابو اجمعی خود و جمعیت اعراب فارسی و سایر اهل
 که با او نزدیک مستند قبل از حرکت نواب میرزاده مأمور لارستان گشته در روانه شده است و فوج

۲۴۳۷

فراگوز لوجی مقرب الخاقان علی بنی خان سرمنگ نیز که ساخلولایستان بودند در آنجا متوقف
 بعد از روز و نواتب امیرزاده و پیوستگی افواج و سواره و تفکیکی و نوپا نهفته و فساد ولایت بکلی
 خواهد شد و مقتدرین را چاره جز اطاعت و انقیاد نخواهد بود (دیگر نوشته اند که شخصی قزوینی
 که سابقاً هم سرفت یک دست او قطع شده و از عمل سرفت توبه کرده بود درین اوقات با قضا
 نباشت فطری با دست بریده باز برگشت سرفت شده و سبکگردید و در آنجا روزآب میاید و در
 بعد از آنکه بزبان ملائمت از او اقرار کشید و معترف به سرفت گردید حسب حکم نواتب مغزی او را مبرض سیاه
 آورده و دو انگشت او را قطع نموده و اخراج کردند (دیگر نوشته اند که چندی قبل ازین شخصی کواری
 مینفر کواری دیگر را بقتل رسانده بود و نواتب بعض نواتب مویذ الدوله رسیده فرستادند قاتل را
 گرفته حضور آوردند و مقول بخر یک ماور سردار ثنی داشت کسان قاتل هر چه خواستند آن
 ضیفه را با خذدیت راضی نمایند علاوه بر آن مقبل پیش هم نواتب مویذ الدوله شدند ولی ^{ضعیف}
 مر بوره راضی بدست نشد لهذا نواتب مغزی المیه حکم بخصاص قاتل نمودند و آن عجزه خود آمده
 چاقوئی بدست آورده بدست خود و بخر قاتل را بریده قدری از خون او شامیده و قدری
 هم غازه خستار و خضاب دست کرده از بی کار خود رفت **کاشان** از قریه
 در روزنامه کاشان نوشته اند امور نولاتب احسن مراقبت و اهتمام مقرب الخاقان
 محمد حسن خان حاکم کاشان قرین انظام است و بامور ولایت و رفاه حال رعیت و انجام حدمات
 و مهمات دیوانی نهایت دقت و رسیدگی می نماید و عموم رعیت از اعلالی و ادانی آسوده
 خاطر بکار و کسب عمرستی خود و دعا کونی ذات اقدس بجا بون شاهاهی خلد الله ملک و سلطان
 اشتغال دارند و از قرار بکه نوشته اند فدائی و ارزانی هر گونه نعمت امسال بیشتر از سال
 سابق است (دیگر نوشته اند که در این اوقات که مقرب الخاقان مش رالیه مباحثین
 و نجات و بلوکات را خواسته سبحانه محاملات دیوانی آنها رسیدگی می نماید عوارض و محقق
 هر محقق نیز واری کرده مخارج حبلی که ازین لهای سابق شده مثلاً دهی که پیر سال ده تومان مخارج
 و عوارض از رعایای آنجا دریافت بشده است امسال پنج تومان دریافت کرده اند و رعایای
 ازین رهگذر کمال دعا کونی و مسرکه دار میرا دارند و در باب باقی مالیات که در دامت و
 بلوکات ماند است التزام از مباحثین گرفته که درین روزها وصول و ایصال نمایند و آنها نیز در
 کار میباشند که بدی دیوان را زود بپردازند

۲۲۳۸

اجبار و ول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده و نوشته میشود

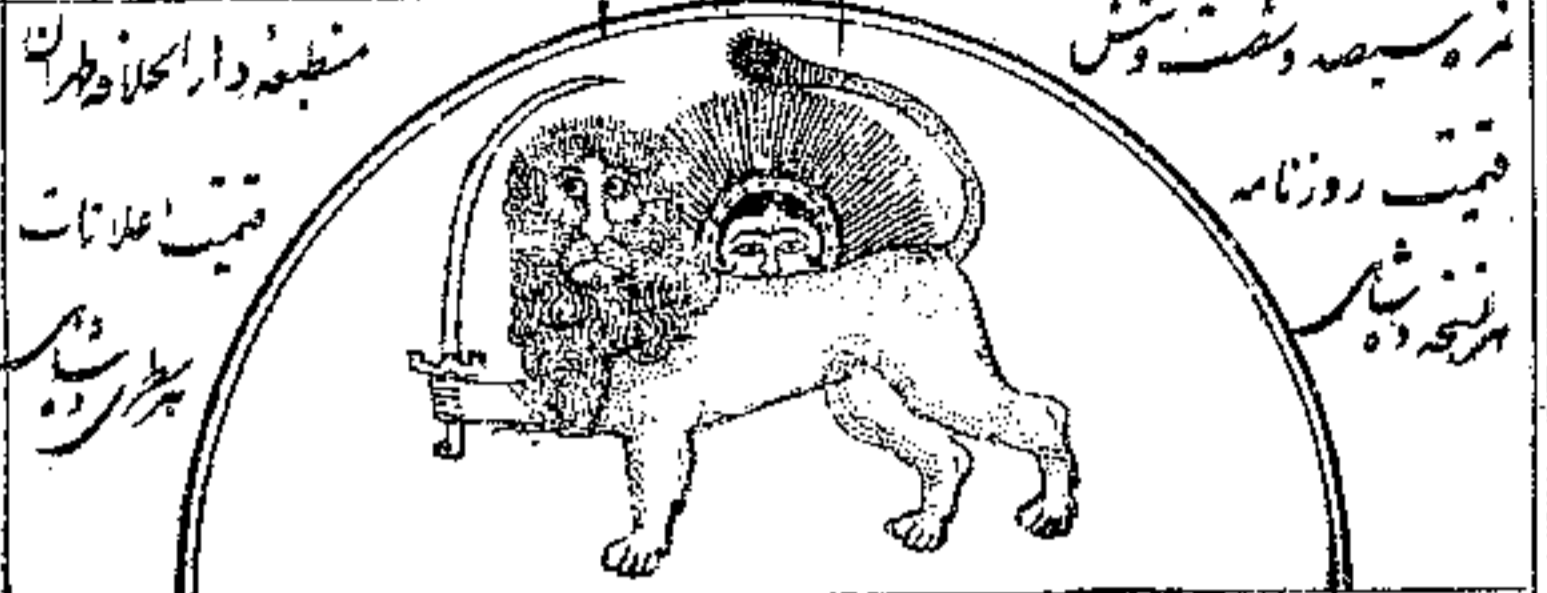
گذارش نامنی که مابین تجار و صرافان و صاحبان کارخانها در سبکی دنیا ظهور کرده و از اجبار و ول فرنگستان سرایت کرده بود در این اوقات پیمار نفرت تجار فرنگستان نیز که در سراسر ساکن و با از میرداد و دستند دارند سرایت کرده آنها را فاسس نموده اند (کیفیت ستاره و بناله دار که چند وقت قبل ازین در روزنامه های فرنگستان بکرات نوشته شد و نزد بعضی اشخاص ظهور قیامت مقارن طلوع آن ستاره بدرجه نبوت رسیده بود و اینکه احدی در این حادثه در روی زمین باقی نخواهد ماند یعنی بعضی شده و پاره اصحاب مزاج و مردمان شیخ طبع آنچه بخاطرشان رسیده بود بحری داشته بودند از جمله یکی از آن اشخاص سجد استحضار کسانی که بعد ازین قیامت بعرضه ظهور خواهند نمود چند صدق این ساخته و بعضی کتب و تاریخ و احوالات این ایام را در میان آن صند و قها که داشته و منافذ آنها را مسدود و مضبوط ساخته بچند جای دریا انداخته بود که بعد از قیام قیامت خلق جدید که بدینا خواهند آمد اگر خوب باشند از احوالات گذشته خبر دارند و آن کتابها را بخوانند و این گذارش در این اوقات معلوم گردیده و در روزنامه های فرنگستان نوشته اند) (سابقا نوشته شده بود که در شهر لیره که در بلجیقا واقع است در محلی چهارصد ذرع طول و پنج ذرع عرض حرارتی ظهور کرده و روز بروز تشدد داشت بموجب اجباری که در این اوقات رسیده است این حرارت در محل مذکور روز بروز تشدد یافته تاکنون به پنجاه و شش درجه گرما رسیده حتی بعضی اوقات از درون آن شعله نمایان میشود اگرچه این حرارت باطراف سرایت نکرده است ولی سکنه اطراف از کمال خوف و خشیت خانهای خود را ترک کرده اند) (دیگر گفته شده بود که در شهر انور واقع در بلجیقا سه سال قبل ازین شخصی صند و قی میهور که معادل صد و چهل هزار تومان پول کاغذی اسکنا س نخلیس داشت بدوشش جامی داده بیک مهاخانه نوشته بود که خود نیز از عقب باید بعد خودش نیامده بود و صندوق مهورش باستحضار صاحب مهاخانه برداشته و مقدار او را ق پول کاغذی نخلیس در او ظاهر شده بود کیفیت بجانب حکومت اجبار و بعد از آن بواسطه ای نخلیس که مقیم آنجا بود گذارش بدولت متوجه خودش بیان گردیده بود در این اوقات که این پولهای کاغذی را معاینه و ملاحظه نموده اند همه ساختگی و قلب درآمده است

۲۴۳۹

از شهر آتنه پای تخت یونان الی لنگرگاه گذار در یازده ساعت مسافت دارد از جانب شمال
دولت یونان اراده شده بود که این مسافت را بجهت آسانی حمل و نقل اشیاء عبور و مرور مقرر و این
راه آهنی بسازند و قرار داده بود که هر قومپایه که تعهد ساختن راه فرورد را نماید با مقدار
مناسب از جانب دولت امتیاز عطا شود در این اوقات یک قومپایه ساختن راه فرورد
تعهد گرفته و قدری وجه نقد نیز بدولت یونان داده است باین شرط و قرار که در مدت
دو سال راه فرورد را با تمام برساند و تا مدت پنجاه و چهار سال امتیاز به آن راه تعویض
فرورد و اگر باشد و قرار دولت یونان باین قرار داد ساختن آن راه را بعد از آن قوم
محول نموده است) در این اوقات در بکرش یک شخصی که سابقاً در خدمات عسکریه دولت
روس بود از چهل پنجاه نفر مرکب یک قومپایه سرعت ترتیب داده بود حکومت آنجا ازین گذار
مطلع شده فوراً بقدر کفایت قشون بآن محلی که قومپایه سارقین مجتمع بودند فرستاده و همه
دستگیر کرده اند) (امالی فرنگستان چون بچوات نامت عالم از قبیل حکایات و تواریخ معلوم
بسیار راغب میباشند و باین جهت روزنامه های موجوده را که در فرنگستان چاپ میشود زیاد
میخرند درین روزنامه شخصی روزنامه منشی بر تواریخ و امثال حکایات بحسن خط و خوبی عبارت
براه انداخته است و تا مدتی این روزنامه که از آن کارخانه بیرون آمده است مشتری آن
بپانصد هزار کس رسیده است) (چنانچه در فرانس و انگلیس رسم است در این اوقات
در دولت استریه نیز قرار شده است که هر کس زیاده از لزوم سک نگاه بدارد هر کسی را
در سال تخمیناً نومان مالیات بدیوان بدهد) (در روزنامه سابق نوشته شده بود که چهار
سال قبل ازین که دولت فرانس و فرقه شده فرقه بدولت فلنک بلجی کشه و فرقه دیگر با فلنک جنگ کرده و گرفتار
دولت فلنک گردیدند باین موضوع آن ایام طاک خود را بعضی که در روزنامه سابق نوشته شد بجهت خلاص خود دولت
فلنک تا مدت چهار صد سال و اگر کرد باین شرط که بعد از چهار صد سال با اولاد او و اگر او شود و اگر اولاد او
منقرض شده باشند با اولاد فرانس و اگر شود در این اوقات تاریخ تاریخ انی مدت چهار صد سال با تمام
و در پاریس نشر و اعلان کردند که از اولاد مالک این ارضی و طاک هر کس است بیاید تا یکصد تا مالک طاک
شود خیلی اشخاص اعیان داشت کرده اند از جانب صرافان چهل طیان فرانس که تخمیناً است که در یونان این دولت
قبیل طاک فرورد بزرگ تکلیف شده چون ورثه صاحب این طاک در مالک فرانس و استریه و اسپانیا و پرتغال و
نور کرده اند نوشته اند که نظر بکثرت این اشخاص مسلح فرورد از قبیل جزئیات است و بهر کس وجه جزئی خواهد رسید

۲۴۴۰

روزنامه قایم القایه و تبایح یومیه و جمایه و الثانیه و الثانیه



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

حضرت خاقان مغرت پناه فتحعلی شاه طاب ثوابه که ادب سرباری و رسوم فرمان گذاری
 آنحضرت مستغنی از توصیف بیان است باقتضای مصلحت نگذاری و حکمت حکروائی عادت دولت
 بران جاری ساخته بودند که حکام هر یک از ممالک محروسه را در محل حکومت خود باقی و بر دوام
 گذارند و بهر چه عین و جهتی بزرگ فلم عزل بر مشورایات ایشان نرسانند و سخن ازین تدبیر و رای
 ملوکانه هر روز دلسوزی و سه سستی حکام نسبت بر عفت و امید واری و دلگرمی رعیت نسبت
 بحکام در ترزاید بود و مملکت روز بروز رو با آبادی میکشاد و چون حاکم هر مملکت آن محل حکومت
 خانه و مسکن خود میدانت همچنانکه در آن ملک سطر صاحب خانگی نگاه میکرد انالی و رعایای آنجا را
 نیز بچشم عیال پرستی میدید این حالت کیفیت بلوری دوام و استمرار بهم رسانید که مردم
 اولاد هر یک از آن حکام نسبت بآن ملک میدهند مثلاً اولاد مرحوم نایب السلطنه را آذربایجان
 و اولاد مرحوم فرما نفر مارا فارسی و اولاد مرحوم ملک آرا را مازندران میخوانند و همچنین حکام دیگر
 انبای ملوک و خانواد سلطنت که آنها هم همین حالت را داشتند و این معنی باعث شده بود که
 حکام ممالک مثل کسی که خانه و عیال خود را متوجه باشد مملکت و رعیت را متوجه میدند در عهد
 دولت شاه معفور و پسر شاه بهت الدجل النور چون مزاج مبارک پادشاه علیل بود و کار بد
 وزیر عاری از رسوم و آداب نگذاری افتاد ازین سبب عمده نیز مثل سایر نکات و رموز کار گذارند
 غافل ماندند در تشخیص حکام غور و تأمل کرد که اشخاص قابل و سزاوار حکومت نامزد نماید و نه هم بعد از آنکه

۲۴۴۱

هر کس را بگومت هر ملک کین ما اتفاق منصوب داشت لامحالہ در دوام عمل او کوشید بلکه
 کی را که در سیرل حاکم کرد و دیگری را در وسط سال بجای او فرستاد و بالاخره کار حکام سبانی
 رسید که میان مردم معروف شد که حکام باید مال و دو اب را بکام غنیمت بختل حکومت
 و سوره که را به نمایند این کیفیت باعث شد که حکام خود را پیش از نشاء و یک سال حاکم نیندهند و
 هیچ چیز نوزند مگر اینکه اندک فرصت را غنیمت نیندند و آنچه میجو استند ملک را تا حده کینه خود را برکنند
 و بنجیل بر گردند و دولت قوی شوکت هالیون اعلی حضرت شایسته ای خداوند ملکه و سلطان که از
 وجود مبارک امورد دولت بنظام آمد و کار مملکت فرام گرفت اولیای دولت علیه و از حکومتها
 ممالک محروسه را نیز باین اول که استند و مر حاکمی را که بهر جا منصوب و نامورد استند با
 حالی و خاطر نشان کردند که اوضاع زمان وزارت مرحوم حاج میرزا آقاسی را بکلی از خیال برود
 کرده خود را حاکم دانی و استند مثلاً حاکم اصفهان خود را اصفهانی و حاکم فارس خود را فارسی
 و حاکم آذربایجان خود را آذربایجانی بدانند و قس علی هذا و یقین نمایند که مادام از آنها خلافت
 بین و تقصیر شکار بروز کرده است از سده حکومت عمل نخواهند شد این بصیحت در دل بعضی از
 که قلب صاف و اعتقاد پاک و عقل و کفایت رساد استند رسوخ کرده و رفتار و کردار خود را
 بران عقیده و نیت قرار دادند که هنوز در سر حکومت باقی و محفل توجهات خاطر اقدس هالیون
 و وثوق اولیای دولت روز افزون استند و بعضی که شست ایشان فاسد و خود بی کفایت و
 بی عرضه بودند نتوانستند که بنای عمل خود را بدین اساس محکم گذارند و هر چه از جانب اولیای
 دولت در حق آنها لازم آمد نصیحت میندول شد و در تعمیر سلوک و اصلاح احوال آنها کوشیدند
 معینت این بود که بناچار با از حکومت عمل شدند و بالبطوری اظهار بی کفایتی کردند که از مقام
 وثوق و اعتماد خاطر هالیون پایین آمدند که لامحالہ که از بجزل چنین حکام خواهند فرمود اکنون باید
 دانست که اگر حاکم مملکت قدر حسان و القات دولت را بداند و طالب عزت و احترام شود و در
 خدمات دولت را بقدم صداقت بپاید و از رعیت پادشاه که در بجه حضرت پادشاهی جل و علا
 بطور شایسته پرستاری نماید و باوصاف عدل و داد و حسن نیت و اعتقاد معروف شود
 و خود را در حضرت هالیون پادشاهی بنبرض و بی طمع و بادبانت و باعرضه و کانی بنیاست
 و رعیت را آسوده و دعا گو و ولایت را آباد نماید بدین است که قدر چنین شخص در نظر حاکم
 هالیون چه قدر بلند و ارجمند خواهد بود و بجه پایتخت مملکت را برود و ام و استمرا و رعیت و

او خواهند کجاست چنانکه میتوانند نظیر این را در بعضی از امثال و اقوال خودشان مشاهده
 نمایند و اگر برخلاف اینها باشد ولایت ویران و ناامن و رعیت خراب و شکی شود نباید
 بهیچوجه چشم التفات و اعتنا و دوام و بقا داشته باشد بلکه نفس خود را ملامت نماید که در
 زمان فرصت نجات تحصیل اعتبار دانی در پیشگاه همایون نماید تا علی التوأم مورد الغم و اکرام
 باشد (نامورثت جناب فحامت نصاب مسیو و میون وزیر مختار دولت بهتیه و انستیتوت
 علیه ایران در روزهای سابق مسطور گردید بعد از آنکه وارد سرقد آذربایجان گردیدند و
 مقرب الخاقان حسن خان سرتیب از جانب نواب مستطاب برآوده و الا بتبار کن اندوله
 اردو شیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان تا سرحد امور مهانداری شده و لازم آید اب دانی
 بقدم رسانید و از سرحد تا ورود در استطنه تبریز از جانب حکام و مباحثین ولایات عرض
 خاصه نواب محمد رحیم میرزا حاکم خوی لوازم احترامات بعل آید چون لازم بود که از جانب نواب
 همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان میر شخصی معتبر و کافی مهانداری جناب معزی الیه نامورث
 لهذا عالیجاه مجرب و سجدت سمره مقرب الخاقان علیتقی خان سرتیب از قرار زمان همایون
 و احکام دربار دولت علیه باین خدمت نامورثت یافت و کمال توقیر و احترام و لوازم آن
 شایسته در هر یک از منازل بعل آورده و از جانب حکام و صاحب ختباران ممالک محروسه
 و آذربایجان حمسه و قزوین پذیرائی و احترامات شایسته که سرآوردوستی و بکجهت باین
 دولتین فخرمین بود بعل آوردند و جناب معزی الیه و اجزای سفارت کمال دلجوئی و خوشوقتی
 از احترامات دولتی و اینکه ملاحظات دوستانه دولت علیه حسن رفتار مقرب الخاقان
 علیتقی خان سرتیب حاصل نمودند و روز و شبان بهار بخلافه بوقت مقرب الخاقان
 حاجی علیجان حاجب الدوله که امور شرفیات سفر احسب الامر الا قدس با و مفوض و
 یکباب چهارپوش دارانی در طرشت بر پا و سایر لوازمات از قبیل میز و صندلی و شیرینی و
 سیوه و قهوه و چائی جبه پذیرائی و توقیر سفارت میباشد مستقبلین بریاست عمده الامر
 عباسقلی خان سیف الملک میرنجه از قرار بقضیل استقبال نمودند بعد از طلاقات در چهاردو

۲۴۴۳

عالیجاه مقرب الخاقان نصرالله خان عالیجاه مقرب الخاقان محمود خان پسر مقرب الخاقان میرزا عبد الغفار خان
 سرتیب
 مؤتمن سلطان وزیر نظام از جانب نایب الوزراء امور خارجه از جانب
 جناب سرف امجد ارفع صدر اعظم جناب وزیر امور دول خارجه

نظر بدوستی و موافقی که فیما بین دولت علیه ایران با دول متحابه موافق عهد مجتبات برقرار است نکام
 غزمت سفیر و مأموز از جانب هر یک از دول متحابه در تشریفات و لوازم احترام ایشان مضایفه
 شده و سخاوت و اولیای دولت علیه در بیخوفت از اوقات از تقدیم چنین رسوم مودت
 سخن آید و اما اگر غزمت یکی از ایشان بر حسب اتفاق متعارف شود با ایامی که مالی ملت تقاعد
 و قانون دین حسین اسلام مشغول عبادات و تحصیل درضات الهی هستند از تقدیم این آداب و رسوم
 لا علاج معذور خواهند بود زیرا که در این ایام مخصوصه شغال خلق بکار دیگر از حیرت قدرت خارج است
 و این دو وقت یکی ایام صیام است که شخص با حالت روزه قادر بر چیزی جز ادای ذریضه نیست
 و یکی ایام عاشورا است که مشغول تفریه و بازی حضرت خاتم الانبیا علیه آلاف التحية و الثناء
 بود پس در این ایام یا باید اولیای دولت را از تقدیم این رسوم معذور داشت و یا سفری
 دوست معتمد قرار داد و خود در شان رطوری خواهند داد که با این دو وقت مخصوص متعارف
 (چون مقرب الخاقان عین الملک در خدمات مرجمه بخود نهایت استقامت معمول داشته و در
 شام و بنا را قدس جایون لیلاد و بنا را با وجود برودت هوا مرابطت تمام عمل آورده لهذا محض
 حضور در محنت ملوکانه و اظهار رضامندی خاطر از خدمات مقرب الخاقان مشارالیه در این اوقات
 یکتوبه خرقه ابره ترمه کرمانی اعلیٰ لطفانه پوست بخارا از طبرکس بدن مبارک برسم طاعت
 مشارالیه مرحمت فرمودند) (چون جناب سید قهوشا در وقت دولت بینه در مدت اقامت
 در دربار این دولت علیه بدستی و خوبی رفتار کرده و در خیر خواهی و ولین فحیمین کوشیده
 اولیای دولت علیه از نظر رفتار و سلوک او راضی و خشنود بودند و از جانب سنی ایچو است
 ملوکانه یک قطعه نشان نشان شمال جایون کلان با اناسن با در محنت شده بود در این اوقات
 که بر حسب احضار دولت متبوعه خود شش اذن مرخصی از حضور مظهر جایون حاصل برده و در خدمت
 جناب اشرف امجد ارفع صدر عظیم سیده و با جناب جلالت آاب نظام الملک و جناب
 اصحاب وزیر امور خارجه و سایر رجال دولت علیه و واع نموده بجا پاری عازم پاریس بود
 متعارف رفتن هم یک قطعه نشان از درجه اول خارجه با حامل سیر با یک طایفه شمال رضائی اعلیٰ
 جانب سنی ایچو است جایون بجناب معزی الیه مرحمت کردید) (علی بیگ پیر مرحوم میرزا جعفر
 طبیب که از جانب عالیجاه مجد سمره حافظ اقامت طراز برون بدر بار دولت علیه آمده بعضی
 متاری و غیره بجهت باغ جایون پادشاهی حسب الامر آورده بود چون چون قابل مستعد مرتبت

۲۴۴۵

بنظر آمد لهذا بکام مرضی او موجب از دیوان اعلیٰ در پیش برقرار و وجهی برسم انعام التفات شد
 و یکقطعه میدان مطلقا بجهت افتخارش در محبت و عنایت و معتر کردید که در نزد عالیجا پیش رای
 مشغول خدمات بوده روز بروز تربیت بند و ترقی در نوکری دیوان اعلیٰ نماید اصفهان
 از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت و اکتساب کتاب شاهزاده
 و الا تبار شمت الدوله حکمران اصفهان قرین انظام و انضباط است و نواب مغزی الیه در نظم
 ولایت و رفاه حال رعیت و رسیدگی بعرض و داد رعایا و انجام مقامات دیوانی نهایت ملاحظه را
 بعمل می آورند (دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین چند قبضه تفنگ سه بازی سبک دست
 خزانه دار بسیار خوب پنج مثال و نیم صرح کار خجسته خان اصفهان برسم نمونه الفا در بار معدن
 جایون شده بود که هرگاه موافق تسلیحه اولیای دولت علیه شود فرمایش دهند که در جبهه خانه اصفهان
 ساخته شود پس از حصول اذن درین روز صاحب الامر نواب شمت الدوله معتر شد که لوازمی
 بهشت صد قبضه از همان نمونه در مدت چهار ماه ساخته در هر ماهی دو سیت قبضه با تمام سینه و تحویل
 نمایند و وجه آنرا از خزانه ابوالجمععی عالیجاه حاجی کاظم خان جبهه دار باشی اصفهان حواله نمودند و
 مغزی الیه خود بجهت خانه رفته با مورستان ان جبهه خانه رسیدگی نمودند و آنچه از تفنگهای مزبور که
 با همه اسباب با تمام رسیده بود با فالتسه که فرمایش شده ساخته بودند بدقت ملاحظه نمودند
 و باستاندان فرزند او در باب خوب و مستحکم سخن تفنگهای مزبور تا کبد و سفارش نمودند
 و بعد از فراغت از آن امور چون آن بویجان متوقف اصفهان که از فارس مراجعت کرده بودند
 آمده بود علی العقاب آن آنها رسیدگی نمودند چون غایت فراری شدند و همه حاضران بودند عموماً آن
 صاحب منصب تا بنین مورد التفات گردیدند که بستانان از فراری بعضی نوشته است که از رشت رسید
 اجناس ماکولات در این اوقات و در اینجا تیرهم رسانده هر چیزی کران شده بود و قهر او
 از تیر حله و عبرت بودند تا اینکه جناب فیض ایل آقا محمد بن حاجی ملا فرشیج سلمه الله تعالی که
 سخن بل مجمل رفته بودند بعد از فراغت از اینجا بشه معاودت نمودند تفادست کلی در نرخ
 اجناس از ادوقه و ماکولات و غیره دادند بعد رسد هزار تومان از خود منتک داده از
 تجار و غیره قرص کرده و با طراف فرستاده برنج و آرد فراوان خرید و آورده در میدان
 ریختند و همان قیمت که خرید بودند بخلق فروختند حتی تفادست ریال را هم قدغن کردند و
 و باین جبهه اجناس و نور هم رسانده و در نرخ متزلزل کلی نموده باعث فرید سگانه و دعا کونی فلان

۲۲۴۶

v

اخبار دول خارجی که از روزنامه های خارجی ترجمه شده و نوشته میشود
 در روزنامه رسمی فرانسه نوشته اند در خصوص پول از یکی و بنا عدم امتیاز تجارت بدولت فرانسه
 سرایت کرده و اکثره آفان و ارباب تجارت گرفتار ورطه افلاس گردیده اند و باطله انالی فرانسه
 نیز دچار اضطراب و اضطراب شده اند و درین نزدیکیها در مالک فرانسه نیز این جهت باین تجارت
 خیلی اختلال روی داده بجهت حصول عاده اعلی و دفع این اختلال از جانب دولت فرانسه از
 فرانسیس موسیو فولد نام با مأموریت مخصوصه لندن ارسال شده است و این عدم امتیاز
 پرستی نیز سرایت کرده و چنانچه در سایر محال روی داده در آن دولت نیز ضرر آید آن
 مقدمه در حق انالی و تجار کان میرفت در این خصوص چاره که باعث اعلی انالی انالی باشد
 از جانب نواب پرنس قایم مقام پادشاه پرستی شده که تجارت و تبعه دولت مزبور پرنس
 پول کاغذی دولت که در دست دارند و یا از حصه های راه آهن و سایر بر قوما بنها سندانی که در
 دست آنهاست بطریق زمین بصدوق آنها دولت پرستی آورده در هر صد تومان شصت
 نفع و اگر اسباب زمین کنند در هر صد تومان هفت تومان نفع وجه نقد بآنها داده میشود
 و این قرار و اوراد در آن دولت نشر و اعلان کرده اند (در روزنامه جریده الحوادث اند)
 روزنامه های انگلیس نوشته اند که چنانچه دختر اول علیحضرت پادشاه انگلیس به پرنس نواب
 پرنس قایم مقام دولت پرستی عقد و تزویج شده در این اوقات دختر دوم ایشان را
 نیز که بس سیزده ساله میباشد و بعد قرال دولت فلنگ اراده نموده که به پسر خود تزویج
 نماید و باین خصوص مأموری را با مأموریت خاصه بانگلس ارسال نموده و مأمور را الیه در
 این روزنامه وارد لندن گردیده است) (دیگر از روزنامه اسپرجه نوشته اند که چنانچه در یکی
 قانون جمهوری است در اسپرجه نیز این قانون از اصول قدیمه آنهاست و در هر سال یک نفر
 جمهوری را بجا می آید اگر تیب هوا خا مان عزل و تبدیل میشود در این اوقات مدت ریاست پرنس
 اسپرجه بانهما رسیده و بجای او بجا اگر تیب آرا شخصی دو فوروز نام بر ریاست جمهوری اسپرجه
 انتخاب و بسند ریاست انقاد نموده است) (دیگر در روزنامه جریده الحوادث از روزنامه
 لندن نوشته اند که چنانچه از دولت سیام هندون بجهت عقد رسته موآت و موالات سلف
 با جمعی چنانچه در روزنامه های سابق نوشته بطرف لندن ارسال شده بود در این اوقات نیز از خط
 میانه از جانب شیخ موفا که باصطلاح اهل ولایت نرگیشان است یک مأمور مخصوص بطرف لندن ارسال شده

۲۴۴۷

از قراریکه در روزنامه جریده امحوا دشت اسلامبول از روزنامه رسمی لندن نقل کرده اند مجلس پارلمنت
که در لندن گشوده شده بود در بین مذاکرات یکی از اعضای مجلس خطاب با تجار و بازرگانان
دولت میفرمود که کور داشت که اتحاد دوستی حاضره ما بین دولتین انگلیس و فرانسه در چه مرتبه خواهد
بود و در خانه حسینیه و مستان بر وجه مطلوب مالی انگلیس از جانب دولت انگلیس نظریات معتدله
معی شود از چه سبب است جناب شایر الیه در جواب او گفته است که دولت انگلیس با دولت موجوده
دولت فرانسه دوستی و محادنت قویه اش بر کمال است حتی علیحضرت امیرالمؤمنین فرانسه بجا
نمودن با علیحضرت پادشاه انگلیس عزیمت خود را با این دولت دانند قشون انگلیس که بمندوستان
میروند از راه فرانسه روانه شوند ما بین دولت تکلیف و بیان کرده است بر اساس این مدعا
و واضح است و غوازی کند و مستان نیز چون روز بروز کسب ملامتی کند زیاده این ملاحظه
نمیت در اولاد مینست و نیز در روزنامه بعد نوشته اند که جناب لاردر پارلمنت در خصوص
که از شش مندوستان با اعضای مجلس پارلمنت خطاب کرده است که فرستادن قشون
از راه رستس امید مناسب میباشد اگر چه از طرف دولت فرانسه ارسال قشون از راه فرانسه
تکلیف و تبلیغ شده است و در صورت ايجاب آن حرکت این قشون را از راه مصر از جانب
دولت عثمانیه نیز روی مساعدت و موافقت ظاهر کرده است و چنانکه از حرکت قشون از راه
فرانسه صرف نظر شده از طریق مصر نیز بعضی مشکلات ملاحظه میشود لکن ابهام قرار سابق ارسال
قشون از راه رستس امید نمند و مستان اصبح است فقط از راه رستس مستان سینه یا با
تقریر منظر است که فرستاده شود (دیگر در روزنامه جریده امحوا دشت نوشته اند بقراریکه
معلوم هر کس است تا کنون از جانب دولت انگلیس مالک هندوستان بنام قومیانیه اداره
و اطلاق می شود ولی بعد از این اداره ان ملک بسم دولت انگلیس مسطور و مذکور خواهد
گردید در مجلس پارلمنت و این فقره را در ضمن مذاکرات مجلس قرار داده اند) (دیگر نوشته اند
که از دولت یونان در این اوقات دو نفر بکاتب ذراعت فرانسوی فرستاده اند که
چند می در اینجا تحصیل فنون حراست نموده و در معاودت بعضی آلات و ادوات این کار هم
بیاورند و هم چنین سببه کا ذکر کردن در معاودن گوگرد بو تانستان از جانب فرانسه دولت یونان
چند نفر از کارگران معاودن گوگرد نا پولی احضار شده اند که بیونان آمد و در معاودن گوگرد یونان
کار میکنند

۲۲۲۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم بیستم جماد الثانی ۱۲۷۱

منطقه دارالخلافه طهران

نزدیک صبح وقت هفت

قیمت اعلان

قیمت روزنامه

هر خط

پنجده



اخبار و اسامی ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

گفتند در دو جناب جلالت صاحب وزیر مختار دولت بهینه فرانسه در دارالخلافه طهران و تشریفاتی که در
 جناب معتمدی البیاضی و همول کشته بود در روزنامه گفته که ششمین کارسختی وقت در روز چهارشنبه
 بیستم علیچاه مقرب الخاقان شهبازخان قریب اول باشی با یک نفر نامت معتمدی که یک نفر از نمایان جزای
 و یک نفر از نمایان طرباشی باده نفر اول و دوه نفر فرانسوی و دوه نفر شاطرا با لباسهای درباری
 بمنزل سفارت رفته مقرب الخاقان شهبازخان از جناب سنی اجوانب هایون جناب معتمدی البیاضی
 حضور هایون دعوت کرده و نایب اصطفی علیحضرت پادشاهی بکر سراسر از اسبهای خاصه بایر
 مرتجع برای سواری جناب وزیر مختار بادور سراسر و دیگر سفارت خانه برده جناب وزیر مختار
 مقرب الخاقان شهبازخان و صاحب منصبان سفارتخانه سوار شده بفرمان شریفیانی حضور هایون
 اعلیحضرت قوشوکت شاهی خلد الله علیه و سلطانه روانه گردیدند و دوه نفر فرانسوی و دوه نفر
 و دوه نفر اول با ایسان که بودند پیش افتادند در عین جناب وزیر مختار از فرادندانها که در
 بودند احترامات نظامیه بعل می آوردند در دم دروازه ارک مبارک پادشاهی مشرف بسیر میدان
 نفر سرباز با یکفر صاحب منصبان نظام با کیزه قاضی بودند در عبور احترامات عسکریه بعل آوردند
 میدان بزرگ در ب اعلی چهارصد نفر سرباز که دولت نواز آنها در سمت اطاق نظام و دولت نفر
 دیگر در سمت دیوانخانه عدالت باد و نفرها و ربا لباسهای نظام صف کشیده بودند و پنجاه نفر توپچی
 پیش روی توپهای بزرگ حاضر بودند کلاً احترامات نظامیه عسکریه بعل آوردند توپچیان فرادندانها

۲۴۴۹

میدان ارک مجموع نظام کشیده استاده بودند متقرب الخاقان شهبازخان جناب معنی الیه راد اهل طاق کشیک می نمودند
و بدین تقصیر از امر ای دربار جایون در کشیکخانه حاضر بودند و لازم پذیرانی را از جناب معنی الیه لعل آوردند قوی سرکاری

امیر الامراء العظام محمد ناصر خان امیر الامراء العظام علی خان و امیر الامراء العظام عباس قلی خان سیف الملک
ایشیک قاسی باشی

عمده الامراء العظام فضلعلی خان حاجیاه مجدت سرا مقرب الخاقان مقرب الخاقان میرزا عباس خان نایب
امیر تومان علیقلی خان اچودان باشی وزارت امور خارجه

در آنجا قهوه و علیان آورده بعد از صرف قهوه و علیان و چای مقرب الخاقان شهبازخان و یسار باشی
خاکپای جایون شرفیاب گشته حاضر بودند جناب وزیر مختار را عرض شد داشت و برگشته از جناب سنی بجا
شرفیابی حضور مبارک دعوت نمود امیر الامراء العظام محمد ناصر خان ایشیک قاسی باشی دربار جایون جناب وزیر مختار
و صاحب منصبان سفارت را بقاعده معهوده و معموله بحضور مبارک شرف خانه عرض نمود که جناب سنی بجا
وزیر مختار دولت بهیله فرستاد از جناب اعلیحضرت امیر المظفر فرستاد با نامه مودت ختامه شرف اندوز حضور جایون
اعلیحضرت شاهی شده اند اعلیحضرت اقدس سنی جایون شاهی جناب وزیر مختار و صاحب منصبان سفارت
با طاق جایون دعوت فرمودند در جنبین پلهای طاق و نفر از معتبرین نمایان اچودان باشی استیاد بودند
در همین بالارفتن جناب معنی الیه از طاق تا کو اوزم احترام را لعل آوردند بعد از دخول جناب وزیر مختار با طاق
چینی که بدین موجب از شاهرا دکان عظام که هر یک حال یکی از شریفی بکمال با لاس خنده پادشاهی بودند و از اعلیه

۲۴۵۰

شاهرا دکان عظام

چاکران درباری
نواب الایاله فرما میرزا نواب نصره الدوله فرزند میرزا جناب جلالت نظام الملک جناب حلالی نصاب وزیر امور خارجه
نواب هزاره احمد میرزا مقرب الخاقان میرزا العظام میرزا مقرب الخاقان حاجی علیخان
داودخان وزیر لشکر حاجب الدوله

چاکران درباری شهباز خان بالباس درباری و نشان و حال در محل جایون شرف حضور داشتند و در پیشگاه
در پای تالار مبارک کسم امیر الامراء العظام میرزا احمد خان کشیک باشی با چهل نفر از علمایان شیخیه حاضر گردیدند
در باره صف سلام خاص منعقد ساخته بودند جناب وزیر مختار را مودت خود و کثرت خاطر اعلیحضرت امیر المظفر
مالک فرانه ولی نعمت خود را در حسن دوستی و مودت نسبت به سرکار اعلیحضرت اقدس شاهی بر پیشگاه
درستگاه اعلی عرض نمود و سرکار اعلیحضرت اقدس سنی جایون شاهی خلد الله لکم بعضی فرمایشهای طوکار متکلم
استحکام ماسم دوستی ما بین دولتین فخرین حسن نیت ملوکانه نسبت بان دولت بهیله با لفاظ دربار
او و نقیسات طوکاره در حق جناب وزیر مختار مبدول فرمودند و از سلامت احوال اعلیحضرت امیر المظفر فرستادند
نواب و املا و امید آن دولت جو باشد جناب وزیر مختار نامه مودت ختامه اعلیحضرت پادشاه فرستادند که در

۳

صاحب منصب و در میان سینی طلا بود گرفته کهنه و بجا یون برده عرضه داشت تبرکات قدس علی هم نامه خودت علامه را
 بلا واسطه از دست جناب وزیر مختار گرفته بخواب وزیر امور دول خارج دادند جناب وزیر مختار بعد از مرخصی از حضور
 با صاحب منصبان سفارت بملاقات جناب اشرف ارفع محترم صدر اعظم در عمارت محضی جناب معظّم المیه که در ارک مبارک
 و متصرفان پادشاهی دارند آمدند صرف چای و شربت و قهوه و غلیان گشته و لازم احترام و مودت بعمل آمد و بیاناتی که
 برای جناب اشرف ارفع صدر اعظم محترم در جناب مجلس سنی بسفیر و پهی دولت دوست سر او را بود مقرر آمد و بعد از
 انقضای مجلس ملاقات جناب اشرف ارفع صدر اعظم جناب وزیر مختار با صاحب منصبان خدمت نواب استیجاب
 ارفع والا ولعهد دولت ابدت علیه رسیده در یکی از اطاقهای دیوانخانه ولعهدی میر و شیرینی چیده و
 چای و قهوه مهیا نموده بودند جناب جلالت آّب وزیر مختار در حالتی که جناب جلالت آّب نظام الملک و جناب
 وزیر امور خارجه و امیر الامراء العظام کشیکباشی و مقرب انجاقان حاجب الدوله حاضر بودند با مقرب انجاقان
 شبها رخان با طاق نزور وارد شده بعد از ادای تعارف و صرف شیرینی و چای نواب اشرف
 ولعهد بیرون تشریف آوردند و جناب نظام الملک خود با استقبال شتافته نواب والا را با عرض
 گرفته داخل اطاق کردند و جناب وزیر مختار و حضار مجلس برخواستند تشریف خدمت نواب
 رسیده به انطور سپر با قدری مکث شد و جناب وزیر مختار اظهار خوشحالی و مسرت نموده جناب نظام الملک
 عرض خواسته نواب ولعهد را محبت دادند و با حضار بیستم بعد از صحبتهای دوستانه جناب وزیر مختار بر تشریح
 آمده بودند محبت منزل سفارت نمودند فردای آن روز جناب استیجاب اشرف ارفع محترم از جناب وزیر مختار
 باز دید کردند و جناب جلالت آّب نظام الملک نیز بفاصله بملاقات ایشان رسیدند و در
 دیگر که روز سیم بود جناب وزیر مختار بدیدن جناب اشرف ارفع آمدند و از جناب جلالت آّب نظام الملک
 و جناب وزیر امور دول خارج هم باز دید نموده بکس اسب از اصطلح خاصه یون که در روز ورود در انجاقان
 در روز شرفیائی حضور بجا یون سواری جناب وزیر مختار بود از جانب سنی اجواب حسروانی با یکرشته رسته طلا و نقره
 بخیچه و دهنه نقره با جل زری بخواب معزی المیه حمزه (در این اوقات امر مرده مبارک که دارالقون از آنها است
 اولیای دولت علیه حسن مراقبت نواب استیجاب نهاده و الا بتار قضا و لطفه علی بن میر انکمال انظام دارد و در هیچ
 مدرسه از صبح تا حوالی غروب مشغول تعلیم و تعلم و تکمیل عمل خود گشته سجده ای که از علوم متعارفه ادبیه مسائل دین
 و آداب مذاب نیز عاری نمانند هر روزه عالیجناب قدسی خطاب شیخ صالح امام مدرسه که بزور فضل و صلاح است
 مشغول تدیس علوم ادبیه و مسائل شرعی است و هر روزه وقت ادای صلوٰه ظهر و عصر نماز را قدا عالیجناب مشایخ
 میکنند و هر یک سر که از جناب قدسی خطاب فرید العصر و حید الدهر فخر المجددین شیخ المشایخ العظام

۲۴۵۱

شیخ مرتضی ادرامی قدس سره و متع الله المسکین بطول بقائه با خود دارند که در احد مسائل و آداب سب
هم کمال مواظبت و اهتمام دارند و ایشانند پس از آنکه در عمل خود کامل شده از مدرسه فرغت یافته
بر یک عالم مبانی مشرع و آداب دین و قوانین مذیب نیز خواهند بود (بعد از وقوع فتنه وفات حرم
میرزا عبد الرحیم قاضی نظر بر اینکه منصب قضاوت در خانواده و سلسله ایشان چسبیده بود و اما عن جده
از سواخان خاص دولت ابد مدت علیه بوده اند مستند لهذا باقتضای رای حاکم آرای اقدس علویان
سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه و صوابه اولیای دولت ابد مدت علیه منصب
جلیل قضاوت در سلطنت تبریز از فرزان اقدس علویان بجناب فضایل نصایب سلاله القضاة العظام
یعنی القضاة العظام الفخام میرزا مهدی برادر کوچکتر مرحوم رالیه مفوض و یکثوب جبهه ترمه کرمانی شرف
جناب معزی الیه مقرر گردید و احکام متقدّمه در سفارشش مورد موافقت احوال ایشان از جانب
اولیای دولت علیه بنواب مستطاب شایسته و الا بتبارک رکن الدوله صاحب اختیار و مقرّب الخاقان
فدوی دولت ابد مدت ام وزیر نظام و پیشکار مملکت آذربایجان مرقوم و صادر گردید و از جانب
اقدس علویان سرکار اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی و از طرف قرین الشرف جناب شرف محمد
ارفع صد عظیم فخرم لوازم التفات و تقدّم سهم رافت و بهیانی در حق جناب فضایل نصایب
میرزاهاشم که این عاونه بایشان وارو و بصیبت چنان فرزند جوان و کامل و فاضل گرفتار شده بود
مبدول آمد و از من توجهات خاطر علویان و مراقبتهای اولیای دولت روز افزون امید واری تمام
حاصل است که جناب میرزا مهدی قاضی از رفگان و کدشکان آن سلسله جانشین و محض باشد
(عالیجاه محبت عزت سیرا میرزا عبد الوهاب خان شیرازی چون در تخصیص انواع کمالات و
علوم کوشیده و از هر یک بهره کامل یافته و بزوی تمام هنرها ارسته است و علاوه بر اینها باوصاف
و صداقت و حدت ذهن و زکا انصاف وارو و استعدادی که از عالیجاه شایسته رالیه شایسته
لایق و درخور بود که اولیای دولت علیه نظر توجه بر تربیت او نگارند لهذا او را در دیوان وزارت امور
خارج و داخل خدمت فرموده موجب در وجهش برقرار داشته و از جانب سنی بجا اب اقدس علویان
اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه با عطا ی یکثوب جبهه ترمه کرمانی سرافراز شد و جناب وزیر
خارج عالیجاه شایسته رالیه را بحضور اقدس علویان برده شرف خاکبوس علی شرف و مورد توجه
و التفات خاطر اقدس علویان گردید و جناب معزی الیه از مراتب کمالات و استعداد و صداقت
و افضلیتی معروض خاکپای همایون داشت باعث مزید التفات آمد و مقرر گردید که همیشه مواظب خدمت

۲۴۵۲

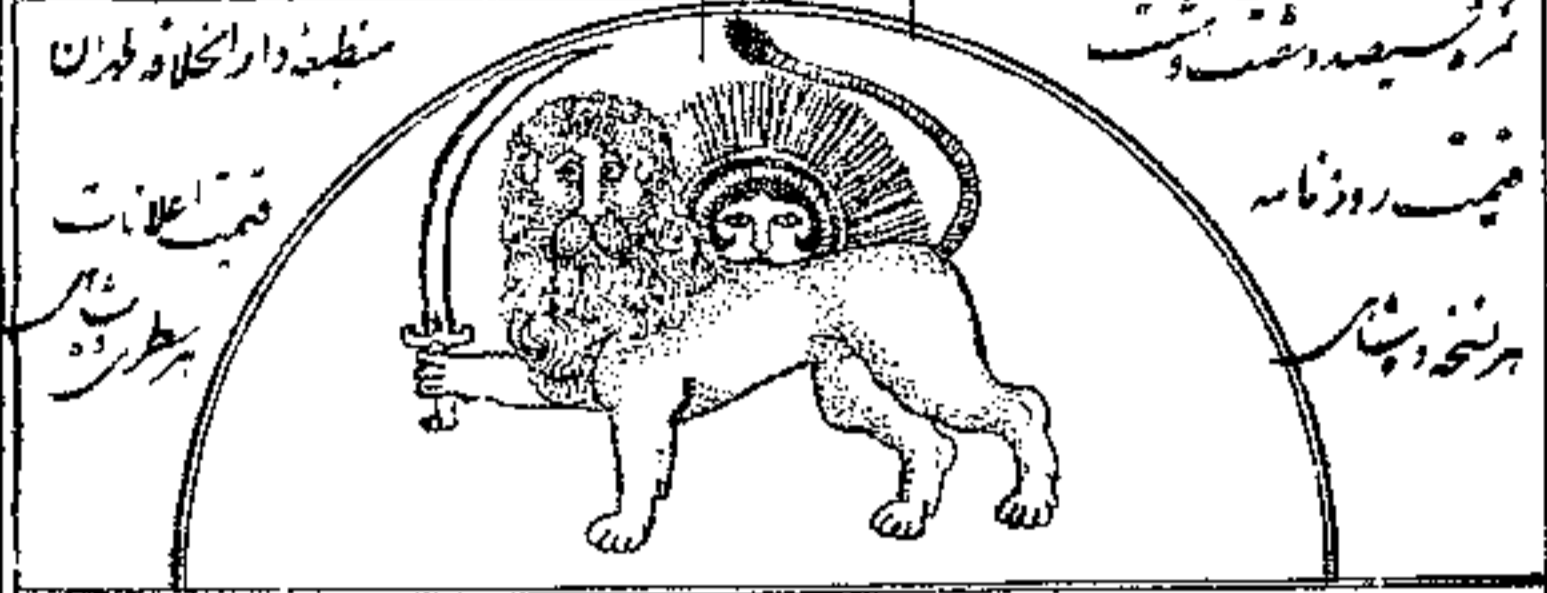
تا ایشاد الله تعالی سدرجات برقیات کثیره نایل گردد (نظر بر اسیب قوت و بیکی عالیجا عفت و
 سعادت سیراه میرزا غلامحسین قندهاری در این اوقات اولیای دولت علیه موجب فرمان مهر لجان
 مبارک اورا منصب تنفای نواب مستطاب شرف ارفع والا شایسته عظمه و لیسبه دولت جاوید
 سرافراز و یکثوب جیه ترمه کرمانی در حق او خلف حمت گردید **فارس** از قراریکه در روز
 فارس نوشته اند امور انولایت احسن مراقبت نواب مستطاب شایسته عظمه والا شایسته عظمه و لیسبه
 انظام کامل است و کارگذاران امور دیوانی حسب الامور نواب معزنی ابله بر یک در انجام خدمت
 و عهدهات موجهه سنج و مشغول و در نظم ولایت و انضباط امور نوکر و رعیت آثار کاروانی و کفایت
 بطور میرسانند و بجهت بارند کبهای متوالی کمال فراوانی و ارزانی در انولایت حاصل است و هرگاه
 انبار کرده بود ببردن آورده بفرستش میرسانند و نرخ غله در تمامی ولایت فارس نازل گلی کرده
 عموم خلق خصوصاً فقرا و صنفا از این بهره کمال سکر گذاری را دارند و اهل زراعت و صاحبان اطاک با
 نهایت خوشوقتی بامور رعیت پرداخته نقصی در کار رعیت باقی نماند و سجد انکی سچگونه ناخوشی در
 ولایت ظهور و بروز ندارد در بند رعیت سی نیز ناخوشی که بوده بکلی رفع گردید است (دیگر از قراریکه
 از بندر بوشهر نوشته بودند عالیجاه مجد مشیراه مفتی انخاقان احمد خان دریا بکی و حاکم بندر
 بوشهر و دشتی و دشتان و مصافات در مقر حکمرانی خود با کمال استقلال مشغول نظم ولایت و انظام
 عهدهات و دیوانی میباشد و عموم اهل انولایت از تجارت و کسبه و رعیت نهایت رضامندی
 از حسن سلوک و معقولیت و سرپرستی مفتی انخاقان شایسته عظمه اند و سرباز و نوچی متوقف
 بندر بوشهر روز سه سواهی ایام تعطیل مشغول مشرب نشاند و از جانب صاحب منصبان نهایت مراقبت
 و اهتمام در مشق و انظام امر آنها میشود (دیگر از بندر عباس نوشته اند که بعد از رفع ناخوشی
 از انجا سکنه و اهالی که فرار کرده بودند معاودت با ماکن و اوطان خود نمودند مشغول کسب و تجارت
 و داد و ستد خود گردیدند و جهازات زیاد اشیاء و متاع تجاری محل و نقل مینمایند و مکار با
 بسیار عبور و مرور می نمایند و نهایت انظام در امور انولایت حاصل و طرق و شوارع با نهایت
 اذیت است عابرین و مترودین با اطمینان خاطر آمد و رفت مینمایند (دیگر از صفی جانست
 جویم بیدشهر و خنج افزو قیر و کارزین و دارایجر و نیریز ابواب مفتی انخاقان میرزا نعیم کز
 نوشته اند که امور ان صفحات در نهایت انظام است و عالیجاه میرزا علی محمد خان که امور نظم امور
 ان صفحات و اخذ مالیات آنجا بود امور انولایت را انظم کامل داده و مال دیوانی را بجهت وصول رسیده

۲۲۵۳

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده و نوشته می‌شود
 در روزنامه‌های این نوشته اند که حادثه در شکستن تجار و صرافان مالک اسوج نیز سرایت کرد
 و باین جهت با بچه‌ها در باب تجارت در وقت ادای قروض معتد رفته اند که دیون خود را ادای
 باین ملاحظه صنایع سیر نیز در داد و ستد معاملاتشان اختلال بهم رسیده است تجار
 این تجارت در این اوقات از جانب دولت اسوج فرار داده شده است که شش کرده
 مالی اسج و چه نقد اعطای نمایند همچنین در روزنامه دینه نیز نوشته اند که این گذارش نامی
 تجار و صرافت بینه نیز سرایت کرده و اکثر تجار لورطه افلاس و چار شده اند و با بچه‌ها
 کارخانه‌های وینه ایشیای معموله خود را با صنایع بوعده فروخته و بجهت این گذارش نامی
 در مورد بطلوب خود معتد رفته اند و تمامی صاحبان کارخانجات در بکارخانه‌های خود
 بسته و کارهای خود را تعطیل انداخته اند و حبس عملی کرده در آن کارخانه‌ها می‌گردند حال
 بیکار و بجهت تحصیل اوقات بومیه خود معطل مانده اند بنا علی ذلک دولت اسوج نیز مانند
 اسوج کلان است که بعضی امور اصلاحیه این فقره اقدام نماید که رفع پریشانی و عسرت
 و صاحبان کارخانه‌ها بشود و نیز از روزنامه دینه نوشته اند که خیابان در سایر محال
 یک آدم که الهمار افلاس بنیاید اسم او از جانب حکومت ضبط و تخریر شده بخلق اعلام
 میگردد که از افلاس او خبر دارند و در وینه از این اشخاص آنچه تا بحال ثبت دفتر حکومت
 کرده اند و آنها بصد و پنجاه و هفت نفر رسیده است (دیگر در روزنامه یارس
 نوشته اند که در پاریس بجهت طول ایام شمار روزها کوتاه می‌شود و مردم سخن ابنیه و عمارات را فرو
 میدادند و در تابستان بکار ساختن عمارات می‌پردازند باین جهت بسیاری از فقره که گذران
 از مزدوری می‌شود در زمستان بکار مانده گرفتار عسرت و اضطراب میگردند محض رفع پریشانی
 این اشخاص که در زمستان بی‌کاران نباشند از جانب علیحضرت امپراطور فرانس بیک
 میان فرانس اعطای شده است که در تعمیر بعضی عمارات دیوانی و تسویه بعضی راهها صرف کرد
 این اشخاص را در اسج بکار عملی بدارند (هم در روزنامه رسمی پاریس نوشته اند که چون کور که بزای فقره
 در زمی و لطف از سایر کور کها اعمار نام دارد و چنانچه دولت انگلیس سابقاً ازین بزای فقره خبرده و در سینه
 تربیت کردند دولت فرانس نیز در این اوقات از آن بزای فقره و بجهت مناسب از فرانس آورده اند و چند
 هم برسم تخم بجهت فرانس و در تبویع فرستاده اند

۲۴۵۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سنه ۱۲۸۴



منطقه دارالخلافه طهران

نمره سیصد و هشتاد و شش

قیمت اعلانات
بر هر خط در هر روز

قیمت روزنامه

بر نخبه و پیشتر

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی خداوندگار و سلطان عزیز قهرمان و شکار صفیات کن و سوغات
فرموده در روز چهارشنبه که شنبه است حسب الامر الامیرالاعلی حسنیام و سر امر کرده و پیشخانه جایون بدو نظر
روانه گردیده و در روز پنجشنبه الیوم یکم صبح موکب فروری کوکب جایون در حرکت آمده جناب
اشرف امجدار فرج صدر اعظم عظیم و بقدر لزوم از خواص مقرران و بر خدمت ششم طهرم کانی نصرت انبیا نو
چند روزی در اینجا باقی بماند و شکار مستولی خواهد نمود (مقرب الخاقان داودخان سرنشین مترجم اول دولت علییه
از جانب سی ایچان به اسب ملوکانه برای تنبیه جناب فخرامین صاحب کتیب با سکی کتیب جدید ملک فقاریه و اطلاع ان
جایون و فرمان عالی مبارک توفیق شده و جهت موجوده خود را بطور شایسته انجام داده و جهت بدو بر عدالت در ایچان کرده بود روز
۲۱ شهریور ایچان وارد دارالخلافه بلیه کشته در منزل جناب فخرامین نصرت بر درون خارج فرود آمد و لازم است تمام دستجات و غیره از درون
مخرج در حق مقرب الخاقان مشایخ و دران روز روز پنجشنبه در جناب اشرف امجدار فرج صدر اعظم دام مجدده عالی سیده در روز پنجشنبه
خود با اتفاق در درون خارج بر قیام حضور در تمام ملوکانه و در عصر جناب کتیب با سکی کتیب جدید ملک فقاریه و اطلاع ان
عواطف پادشاهی گردید) چون عالیجناب میرزا محمد تقی مستوفی و ناظم کرک بر حسب امر اولیای دولت علیه توفیق
در وانه انولات گردید بلیه نظارت بسکی عالیجناب میرزا سید رضی شهنشاه شهنشاه واری کرک خانهای ممالک محروسه
پادشاهی بود و اینست عالیجناب میرزا عبدالعزیز میرزا محمد تقی مستوفی و ناظم کرک بر حسب امر اولیای دولت علیه توفیق
در عیال پادشاهی مستوفی انجام لوازم این خدمت باشد و مبلغ یکصد تومان رسم بر مواجبتی او علاوه فرموده که با
کمال اسیدیاری با انجام خدمات محوله بخود پرداخت دارد

۲۴۵۵

آذربایجان از فرار یک روز در زمانه تری نوشته اند امور آن ولایت از حسن اهتمامات ائمه و مراقبات
 کافیه نواب مستطاب شاهزاده والا تبار رکن الدوله علیه صاحب شهباز و مقرب الخاقان مؤمن است
 وزیر نظام مکار کل مملکت آذربایجان فرین نظام است و ابائی رعایای دار السلطنه نیز در کمال
 امنیت آسایش مزید و عاکوفی ذات اقدس سرکار علی حضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه
 اشغال اند و نواب مغربی لبه هر روز در دیوانخانه مبارکه می نشینند و بعراض و مطالب ابائی
 مملکت آذربایجان بدقت و اهتمام تمام غوررسی مینمایند و هم چنین مؤمن است سلطان وزیر نظام
 هر روز از اول روز الی غروب در اطاق نظام نشسته با مورات نظامی خدمات ابوائی و مهمات
 ولایتی از روی دقت اهتمام و اینه رسیدگی و غوررسی مینماید (این اوقات که از شدت سرما
 رنستان بسیاری فراهها سرد و دود منیع العیون بود فافله و کاروان تردد و مسکرو از اینها
 واقیه نواب شاهزاده و مؤمن است سلطان وزیر نظام همه چیز و فرود دارد از جمله کدم و نان و گوشت
 و برنج و سایر ناکولات بسیار و ارزان است و مردم از همه جهت آسوده و مرفه الحال میباشند
 مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان در پیرامون خارج هر روز در بستانخانه می آید و الی غروب مشغول خدمت
 و حتماً مضافاً خارج می باشد و بعضی اهتمام تمام در انجام خدمات محوله بخود دارد (و همچنین مقرب الخاقان
 میرزا مصطفی فی پیشکار معاملات محاسبان است ابائات ابائات و وصول بقایای مالیات و ابائات
 آذربایجان است و همچونقی از اوقات از خدمات ابوائی عقفت ندارد و مراقبت تمام بعمل می آورد
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مؤمن است سلطان وزیر نظام در این اوقات مقرب الخاقان حسن نظام
 میر خجیر برای وصول بقایای قراج و دفع نامور کرده است که بچکله وصول اعیان برسانند
 عالیجاه میرزا عبد الله مستوفی که از دربار محدلت دارم شخص شده بود روز یکشنبه پانزدهم ماه
 جمادی الثانی وارد دار السلطنه تری شد (عالیجاه میرزا مستوفی نایب عالیجاه میرزا نصیر که خدا بخواهد
 در گردش لب و دوجار سفر تری گشته خواسته بود آنها را دستگیر نماید آنها طلبا سنجه خالی نموده و دو نفر
 فرار کرده بکت نفر دیگر را دستگیر نموده مراتب اخذت مؤمن است سلطان وزیر نظام عرض کرده مقرب
 الخاقان مشارالیه آن بکت نفر را بحضور نواب رکن الدوله رسانده موافق عدالت شنبه و تاؤس فرموده
 بعد از آمدن مقرب الخاقان محمد خان میر خجیر از رومه حسب حکم مؤمن است سلطان وزیر نظام در اطاق
 نظام می نشیند و بحباب چهره و موهب سربازان و توپچیان در کمال دقت رسیدگی مینماید قدری از
 چهره سربازان فوج امیر تیر افراط و تفریط شده بود مقرب الخاقان مشارالیه مشرفه ابودان جنبان

۲۴۵۶

فوج مزبور را خواسته معلوم نمود که در پیش که باقی مانده است کرده در اطاق نظام سپهر بازان داد
 و کمال داشت و نظم را در امور افواج دارد (و نیز مغرب الخاقان مشارالیه بعد از رحلت از اردو
 حسب الحکم مؤمن است سلطان و وزیر نظام در اطاق نظام سان توپخان حاضر می آمده موجب حیره آنها را
 موافق فاعده رسید که نمود (دیگر نوشته اند که عالچاه میرزا نصیر که خدا باستی مبارک که خدایان هر شب
 در محله خودشان حسب الحکم گردش میکنند و کشیکی شان بسیار مضبوط است عالچاه نوروز خان هر شب دست
 محله گردش میکند و مغرب الخاقان علیخان پیکر یک دار است لطفه بریز بر شب سرکشی محلات شهر میکند
 احمد قدس سرف و شادارت بیس قسم نیست

خراسان از فرار که در روزنامه خراسان نوشته اند خلعت مهر طلعت هایدون که از جانب سی و پنج
 موکانه بافتار مغرب الخاقان قوام الدوله پیشکار مملکت خراسان رحمت مصحوب چاپار فاقا شده بود باقی
 بر فو وصول افکنده مغرب الخاقان مشارالیه بجهت آگاهی طرف که دو فرسخی ارض مقدس است با اعیان
 و ایالت ولایت عمده چاکران یوانی با استقبال شناسه لوازم توقیر و احترام خلعت مهر طلعت هایدون را
 بعمل آورده و معاودت بارض مقدس کرده در تالار بزرگ یوانی زیپ و پوش افشار و عیار خود نموده
 تمامی عاظم و عیان و چاکران یوانی در آنجا حاضر شده صرف شربت و شیرینی و ادای مبارک نموده و
 محض احترام خلعت هایدون مغرب الخاقان میرزا محمد حسین موتی باشتی سرکار فیض آثار با خدام ذوی الاحرام
 حاضر کرده ادای تهنیت مبارک بسا نموده و توقیر و احترام خلعت هایدون را بطور شایسته بعمل آورده
 مغرب الخاقان میرزا محمد حسین موتی باشتی سرکار فیض آثار در امور استقامت مقدسه نهایت اهتمام
 و مساعی جسد را بعمل می آورد و در فرار و نظمی تازه که موجب دلن آسنان امام بهام علیه السلام است داده
 الحق زیاد خوش آید است نزار کبر الاوار خواهد بود خلعت هر وی که از بزرگ مشایخ اصحاب جلیل القدر است
 بر حسب امر اولیای دولت جاوید عدت فایره عمارتی مرغوب و صحن دور کنند بنا نهاده اند که به تمام رسیده محل
 عبور و ورود عموم مردم است و قلعه نیز در جنب آنجا بنا شده چند جا نوار هم آنجا جا داده است از آب و در خاطر
 پنج زنج آب از منی آن جاری کرده و آنجا از راهت نموده جای با صفا و بجاکان و هر جای خوبی خواهد شد
 دیگر از فرار که تعبیر اجناس ارض مقدس نوشته اند که هم علی خرداری سه تومان و کتیم پست نزار آن
 خرداری دو تومان و هشت هزار و جو خرداری دو تومان و گاه خرداری هشت هزار و پنج خرداری یک
 بکیال و پنج رسمی بکن هزار دینار و هجده خرداری هشت هزار و کوشش بکن هزار دینار و قداری
 بکن بکن تومان و قداری بکن هشت هزار دینار و شمع بکن دو بکیال و سایر جهش هم باین بطنها مستعد است

۲۴۵۷

دیگر نوشته اند شخصی بطریق میر جناب امام جمعه مهری صاحب بوده و تحت فلان مبلغ خواه باسم شخص دیگر
 برای خود ساخته بعد از آن شخص او عای طلب نموده در آن مخصوص نازعه کرده و برافه خدمت امام جمعه رفتند
 نظر باینکه جناب امام جمعه در امورات مرافه جات زیاد وقت مینمایند بر حجتی و هر بقا را قبل از نظر
 نمودن بنگار زشتی نمیکذارند بعد مری نمایند آن شخص تحت جعلی خود را بدست امام جمعه که میدهد
 همیشه ملاحظه مینماید میندان نشان خط مرزا ندارد امام جمعه با مری خود مقابل مینماید می پند
 در حروفات عادت کلی دارد شخص میشود که این حجت ساخته کی است آن شخص امام جمعه حکم
 تعذیر شرعی میکنند پس از بیست و مان هر ساخته کی را گرفته باشند که دیگران متنبه شوند در
 امورات شرع مطاع عمل خلاف واقع ننویسند (دیگر نوشته اند حاجی حسن نامی بود در ویش
 در طایفه کسب فریوسیده ولی شغل پیشه او اکثر اوقات سرقت نمودن اموال مردم بود چند مرتب که
 اموال مردم را سرقت نمود و دروغه اطلاع بهم میرساند اموال مردم را استرداو میکرد چون در کسب فریوسید
 او را توبه میدادند و مرخص میشد تا اینکه در این اوقات باز نشی مبرود قدری اسباب از منزل شخصی سرقت
 برداشته که بر درین راه لاذ حسن نامی براتی از جمله عمده میرشد که بسیار گرفته میرفته از قضا آن شب
 در آن مرکز عبور مینماید حاجی حسن هم اسباب سرقت برده را همراه خود داشته یکدیگر میرسند بلکه لاذ حسن
 را دیده خوف مینماید بزخم کار و لاذ حسن را بهلاکت میرساند سایر کزنده با خبر دارند او را پهای تحت
 میسرن چون صبح میشود اینکایت را بمقرب انخافان قوام الدوله میرساند مقرب انخافان
 معرفی آلبه در صد و تحقیق صدق کذب این طره برآمده معلوم میگردد که سرقت قتل نفس او پسان
 واقع است لهذا قه عن نمود که او را آورده در پهای تحت بلرغی که محل عبور و مرور عامه است فخاص
 نموده بسزای خود رسانند (دیگر نوشته اند دو قبضه شمیر از عالیه پناه امراء اعظام
 شاه دوله خان افغان برفت میرسد و آدمهای مشارالیه بفقیره را بمقرب انخافان قوام الدوله
 کشتند مقرب انخافان معرفی آلبه در صد و تحقیق این امر برآمده بدارد غه ارض قدس قد عن
 بلغ نمود بعد از تحقیق معلوم شد که ملک سلطان نام و یک نفر دیگر سرباز فوج قزوین
 دو قبضه شمیر را برده اند و ساد آنها را آورده با شی رمضان نائب فرشت خان
 خود را محصل نموده که حتما شمیر را با با فضا م طلا آلات گرفته بپناه مشارالیه تسلیم نمود شخصی تویان
 قوام الدوله عرض کرد که مراد عرض راه از منزل شریف آباد تا مشهد تحت نمودند و هانگنا بکه مرا تحت نموده است
 مقرب انخافان مشارالیه ساد آنها را آوردند که یک نفر تویان دو نفر چهارم و شخص شود که شخص تویان که در آن
 اورا متنبه سیر نمود

۲۴۵۸